



ویژگی کسانی که مواد آتش‌زای دوزخ می‌شوند/ در قیامت انسان عمل خودش را می‌چشد

آیت الله جوادی آملی با تشریح آیات ناظر به تجسم عمل در قیامت، تصریح کرد: در قیامت انسان عمل خودش را می‌چشد می‌بیند تلخ است، آن روز است که دادش درمی‌آید؛ یا می‌چشد می‌بیند...

آیت الله جوادی آملی با تشریح آیات ناظر به تجسم عمل در قیامت، تصریح کرد: در قیامت انسان عمل خودش را می‌چشد می‌بیند تلخ است، آن روز است که دادش درمی‌آید؛ یا می‌چشد می‌بیند شیرین است، آن روز است که لذت می‌برد. یعنی هرچه که قبلاً در سلف گذراند الآن امتحان می‌کند؛ همانی که در دنیا شیرین بود الآن می‌سوزاند، چون «حفت النار بالشهوات» و همانی که در دنیا تلخ بود الآن لذت‌بخش است، چون «حفت الجنة بالمکاره».

به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله جوادی آملی در بخشی از تفسیر آیه 166 و 167 بقره (إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ * قَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّا كُنَّا نَدْرِكُهُمْ كَمَا تَبَرَّأُوا مِنَّا كَذَلِكَ يَرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ) که ناظر به عالم قبر و قیامت و بیزاری جستن بتها از عبادت کنندگانشان است، به تشریح ظهور حقیقت اعمال در قیامت می‌پردازد.

وی در این باره می‌گوید: بحث مهمی که در این آیات مطرح بود، يك قسمش راجع به تجسم اعمال بود و يك قسم راجع به ابدیت عذاب و خلود عذاب کافران و منافقان. قسم اولش اگر به خوبی روشن بشود حل قسم دوم خیلی دشوار نیست. از آیه مبارکه محل بحث درباره قسم اول استفاده می‌شود که عمل انسان هرگز از بین نمی‌رود و انسان با خود عمل، جزا داده می‌شود و نحوه جزای عمل هم مشخص است. مجموع بحثهایی که درباره عمل و تجسم عمل و جزای به عمل و اینکه انسان رهن عمل است و اینکه عمل يك واقعیتی دارد، به صورتهایی مصور می‌شود و هم عامل به صورت عمل ظهور می‌کند و هم عمل به صورت جزا ظهور می‌کند.

این مدرس عالی حوزه علمیه در ادامه به تبیین بخشهای دهگانه آیات تجسم عمل در قیامت می‌پردازد که در پی می‌آید: مجموع این بحثها را تقریباً می‌توان در ده طایفه از آیات قرآن کریم خلاصه کرد که مضمون بسیاری از اینها احیاناً مشترک است؛ اما لسان و ظهور اینها یکسان نیست.

یکم؛ اصل حیات عمل و رؤیت متن عمل در قیامت

طایفه اولی آیاتی‌اند که دلالت می‌کنند بر اینکه عمل زنده است و انسان اصل عمل را بعد از مرگ می‌بیند؛ نظیر همان آیه مبارکه يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ یا فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ یا آیه سوره «کهف» که وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا یا آیه سوره «آل عمران» که يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا ، (اینها آیات طایفه اولی‌اند) که دلالت می‌کنند بر اصل حیات عمل و اینکه هر انسانی عمل خود را می‌بیند و اینکه عمل چه خیر چه شر از نظر سنخ و نوع و چه ریز و چه درشت از نظر صغر و کبر (همه و همه) زنده‌اند و انسان متن عمل خود را می‌بیند.

دوم؛ «عندالله» جایگاه عمل و عامل خیر

طایفه ثانیه آیاتی‌اند که دلالت می‌کنند بر اینکه آنچه که انسان به عنوان خیر فرستاد می‌بیند. این طایفه جایی یافت را هم مشخص می‌کند. طایفه اولی اصل حضور عمل را بازگو می‌کرد، طایفه ثانیه بین خیر و شر فرق می‌گذارد، می‌گوید اگر عمل خیر باشد جایی این عمل عندالله است و چون عمل از عامل جدا نیست عامل هم جایگاهش عندالله است. لذا تعبیری که از مؤمنان می‌شود این است که اینها نزد خدا قدم صدق دارند، نزد خدا قعود صدق دارند؛ هم قدم صدق در سوره «یونس» آمده است، هم قعود صدق در سوره «قمر» آمده است که إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَتَهَر * فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِر . این طایفه از آیات که دلالت می‌کند انسان متن عمل خود را نزد خدا می‌بیند.

سوم؛ پیوند و همراهی عمل با عامل

طایفه ثالثه آیاتی‌اند که دلالت می‌کنند بر اینکه انسان عمل را به همراه خود می‌آورد و می‌فهمد که همراهان او چه کسانی‌اند و چه چیزی‌اند... یعنی انسان همه آنچه که به همراه خود احضار کرده است می‌فهمد. معلوم می‌شود انسان يك قافله‌ای را به همراه خود می‌برد؛ منتها اینها بسته‌اند، انسان هم ناسی است و غافل؛ نه آنها باز شده‌اند و نه انسان هشیار است، روز قیامت هم انسان هشیار می‌شود (غفلت برداشته می‌شود) و هم آن بسته‌ها باز می‌شوند که يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَشْهُورًا ... وقتی خدای سبحان آن خاطرات و عقاید و اخلاق و اعمال را باز بکند: يَلْقَاهُ مَشْهُورًا انسان آن روز تعجب می‌کند که يَاوَيْلَتَنَا مَا هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا . بنابراین در آن روز هم انسان هشیار می‌شود [که] فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ وَ هُمْ آن بسته‌ها باز می‌شود که يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَشْهُورًا، لذا در این کریمه 14 سوره «تکویر» فرمود: عَلِمْتَ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَكَ . و در همین مضمون که «انسان آنچه را احضار کرده است می‌بیند» آیات دیگری است، گاهی با این لسان گاهی با لسان دیگر.

چهارم؛ دریافت کامل عین عمل در قیامت

طایفه رابعه آیاتی‌اند که دلالت می‌کنند بر اینکه انسان هر چه انجام داده است به عین آن توفیه می‌شود (که لسان، لسان توفیه

است): وَفِيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ يَا تَوْفِي كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ و مانند آن که به عنوان يك سلسله از آیات در بحثهاي قبل گذشت.

پنجم؛ چشیدن و تجربه عین عمل در قیامت

طایفه خامسه آیاتی‌اند که دلالت می‌کنند به اینکه هر کسی عین آنچه که انجام داد آن را می‌آزماید؛ مثل اینکه انسان وقتی غذایی را طبخ کرد دست‌پخت خود را می‌چشد و می‌آزماید؛ يك کشاورز وقتی درخت را به ثمر رساند میوه باغش را می‌آزماید. در قیامت انسان عمل خودش را می‌چشد می‌بیند تلخ است، آن روز است که دادش درمی‌آید؛ یا می‌چشد می‌بیند شیرین است، آن روز است که لذت می‌برد. آیه سی‌ام سوره مبارکه «یونس»، این است: هَٰذَا لِكُلِّ نَفْسٍ مَّا أُسَلِّقَتْ؛ هرچه که قبلاً در سلف گذراند الآن امتحان می‌کند، همان را می‌آزماید؛ همانی که در دنیا شیرین بود الآن می‌سوزاند، چون «حفت النار بالشهوات» و همانی که در دنیا تلخ بود الآن لذت‌بخش است، چون «حفت الجنة بالمکاره».

ششم؛ جزا نفس کار و متن عمل

طایفه ششم آیاتی‌اند که دلالت می‌کنند بر اینکه جزا نفس عمل است - آن آیات فراوان است که در بحثهاي روزهاي قبل ملاحظه فرمودید؛ - گاهی به صورت حصر که هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ یا إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ، گاهی بدون حصر که این جزا کار خود شماست، جزا وفاق کار شماست و مانند آن.

هفتم؛ کیفیت و چگونگی ارائه عمل به انسان

طایفه سابعه آیاتی‌اند که دلالت می‌کنند بر اینکه خدا چگونه عمل را به انسان نشان می‌دهد؛ یعنی اینکه فرمود: هر کسی عمل خود را می‌بیند (حاضر می‌بیند) مزه آن را می‌چشد، عین آن توفیه می‌شود، عین آن جزای اوست، عین آن به همراه اوست، چگونه و به چه صورتی درمی‌آید که هم جزاست هم همراه است و هم یا بدمزه است یا خوشمزه است و مانند آن؟ اینها را در سوره مبارکه «سبا» و همین آیه محل بحث بیان فرمود... آیه 33 سوره «سبا» این‌چنین بود: وَجَعَلْنَا الْأَعْلَالَ فِي أَعْتَاكِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ یعنی اگر جزا عین عمل است و هر کسی عمل خود را می‌بیند؛ نه یعنی آن صورت دنیایی عمل را می‌بیند، وگرنه می‌شود دنیا (دیگر آخرت و قیامت نخواهد بود)؛ مثلاً اگر کسی رشوه خورد این‌چنین نیست که در قیامت ببیند که باز همان مال است و پرونده‌سازی است و رشا و ارتشاست، بلکه آن عمل به حقیقتی درمی‌آید که انسان هیچ تردیدی ندارد، این همان است. در این کریمه فرمود: ما غل را در گردن کافران می‌گذاریم و هرگز جزا غیر عمل نیست یعنی این عمل به صورت غل گردن‌گیر درمی‌آید (حقیقت عمل این است): وَجَعَلْنَا الْأَعْلَالَ فِي أَعْتَاكِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ در همین آیه محل بحث (166 تا 167 بقره) که فرمود: ما تبعیت دروغین زمامداران باطل را به صورت تبری حسرت‌آمیز درمی‌آوریم، آنگاه فرمود: كَذٰلِكَ يُرِيهِمُ اللّٰهُ اَعْمَالَهُمْ. یعنی اگر يك جاي قرآن آمده است که يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّيُرَوْا اَعْمَالَهُمْ، نحوه ارائه را هم در سوره «بقره» بیان کرد فرمود: ما عمل را این‌چنین نشان می‌دهیم؛ یعنی تبعیت کاذب به صورت تبری صادق ظهور می‌کند و مسرت کاذب به صورت حسرت صادق ظهور می‌کند. كَذٰلِكَ يُرِيهِمُ اللّٰهُ اَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ که یا این حَسَرَاتِ حال است یا غیر حال، در هر دو صورت نشانه آن است که مسرت باطل تحسرت صادق است، عین عمل به صورت حسرت درمی‌آید....

هشتم؛ ظاهر و باطن داشتن عمل

طایفه هشتم بازگوکننده آن است که عمل يك ظاهري دارد و يك باطني که انسان با انس به این طایفه هشتم از آیات، زمینه انس با مسأله تجسم اعمال در او فراهم می‌شود... [از نمونه های این آیات] آیه 10 سوره مبارکه «نساء» است که فرمود: إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَهُمْ لَا يَبْصُرُونَ سَعِيرًا یعنی باطن اکل مال مردم آتش است؛ نه مال یتیم آتش باشد (غصب آتش است)، وگرنه آن مال را خود یتیم می‌خورد، چون کسب حلال برای اوست این نور خواهد بود و همین مال را وقتی غاصب در کنار سفره مغضوب‌منه می‌خورد می‌شود نار، این «حرام» است که نار است.

نهم؛ صیوروت انسان تبهکار به صورت مواد سوخت و سوز دوزخ

طایفه نهم آیاتی‌اند که دلالت می‌کنند وقتی ظلم ملکه شد (برای آدم)، آتش برای آدم ملکه شد، خود انسان می‌شود مواد سوخت و سوز و اگر خیلی در این راه کهنه‌کار باشد خودش می‌شود مواد آتش‌زا. بین هیزم و کبریتی که آتش‌زاست فرق است؛ بعضیها هستند که ستم و گناه برای آنها آن چنان رسمی شد که خود مواد سوخت و سوز جهنم‌اند؛ یعنی هیزم جهنم‌اند، بعضی‌ها از این مرحله هم تنزل کردند به دَرَك، دَرَكه و مرحله نازل‌تر رفتند خودشان شدند مواد آتش‌زا.

اینها که در کفر و نفاق جزء مواد سوخت و سوزند، از اینها در سوره مبارکه «جن» یاد کرده است که فرمود: وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا آنها که قاسط‌اند (اهل قسطنند) - قسط یعنی جور و ظلم، اهل قسط نیستند که سهم دیگران را بدهند و بشوند مقسط و محبوب خدا که إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ بلکه اهل قسطنند و سهم دیگران را هم می‌برند - اینها که قاسطین‌اند (اهل قسطنند)، نه اهل قسط، اینها هیزم جهنم‌اند: وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا، و کسانی که از این مرحله تنزل بیشتری کرده‌اند خودشان می‌شوند مواد منفجر؛ فرمود: فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ. و قود این مواد منفجر را می‌گویند، آن کبریت را می‌گویند و قود (یعنی آتش‌زا، ما توقد به النار). در سابق این سنگهای چقماق و چخماخ را می‌گفتند و قود، الآن این کبریت را می‌گویند و قود، این مواد منفجره را می‌گویند و قود که «توقد به النار». اینگونه افراد که مواد آتش‌زای جهنم‌اند (اینها) گنهکاران عادی نیستند و ظالمین متعارف هم نیستند، آنها که مواد آتش‌زای جهنم‌اند آنها را هم قرآن کریم مشخص کرد؛ فرمود: كَذٰبٌ اَلْفِرْعَوْنُ...

دهم؛ حشر عامل برابر صورت باطنی عمل

طایفه دهم آیاتی‌اند که از آنها به کمک نقل، (حدیث شریف)، استفاده می‌شود که عمل نه تنها به صورت جزا در می‌آید، بلکه آن قدر قوی است که عامل را هم به صورت خود مصوّر می‌کند (که عامل به صورت عمل در می‌آید)؛ یعنی اگر کسی طمعکار و آزمند بود؛ نه تنها این آرز و حرص او به صورت نار ظهور می‌کند، بلکه خود این انسان حریص و آزمند هم به صورت مور در می‌آید؛ اگر کسی بددهن و گزنده و امثال ذلك بود؛ نه تنها این گزش به صورت شعله ظهور می‌کند، بلکه خود او به صورت عقرب در می‌آید...